

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شباهنگ راد
۱۲ نومبر ۲۰۱۶

اختلاس حکومتی در ایران

اختلاس، رشوه‌خواری، دزدی، فساد و صدها مورد از این دست، جزء ذاتی نظام جمهوری اسلامی است. عادی‌ست، دولت‌مردان از زمره آنان، دیگر مسئولین و مقامات حکومتی هم، یکی پس از دیگری، در پی سبقت از دیگر رقبای شان‌اند. قانون جمهوری اسلامی و خلاف ارگان‌ها و نهادهای وابسته به‌دندان همچون قوه قضائیه، نه پی‌گیر برخورد با غارتگران و مفسدان، بلکه هم‌گام و هم‌سو با رشوه‌خواران و چپاولگران مال و منال مردم و اموال عمومی جامعه‌اند. چرا که پایه نظام‌های امپریالیستی و از جمله نظام جمهوری اسلامی بر مبنای چنین منش و متدی شکل گرفته است و روز به روز، ابعاد گسترده‌ای به‌خود می‌گیرد.

چند وقت قبل و در دو بانک ملی و دولت، ۱۲۰۰ میلیارد تومان اختلاس شده است و همچنین بنابه گفته دادستان کل کشور «محمدجعفر منتظری»، «یکسری املاک خارج از بخش تعاونی به برخی از مدیران فاقد مسکن شهرداری واگذار شده که بیش از آنچه باید به آنها تخفیف داده شده است».

میلیاردها تومان در درون نظام اختلاس می‌شود و حقوق‌های چند میلیاردی به مدیران و سرکردگان نظام داده می‌شود؛ دکل‌های نفتی - چند میلیارد تومانی - در دالان‌های دم و دستگاه‌های نظام گم می‌شود و به دنباله و بنابه گفته «شهاب‌الدین غندالی»، مدیر عامل صندوق ذخیره فرهنگیان، ۸ هزار میلیارد تومان از صندوق بیت‌المال اختلاس می‌شود، در مقابل، میلیون‌ها کارگر و زحمتکش برای نان شب و سقعی برای خواب مانده‌اند. سیل عظیم جوانان به خیل بیکاران، از دید فقر و نداری و امثالهم حاصل قانون و سیاست‌های نظامی‌ست که سران آن به جامعه و به مردم ایران تحمیل نموده‌اند. به عبارتی روشن‌تر، قانون نظام‌های سرمایه‌داری زمینه‌ساز سوءاستفاده اموال عمومی از جانب سران نظام و دار و دسته‌هایشان می‌باشد و بی‌دلیل هم نیست که «محمدجعفر منتظری»، پیرامون دریافت حقوق‌های میلیاردی به مدیران می‌گوید: «اول این که بخشی از حقوق‌های بالا مبنای قانونی داشته، در نتیجه قانون باید اصلاح شود و مفری‌های قانونی مسدود شوند».

با این اوصاف علل و بیخ و بُن دزدی‌ها و اختلاس - و آن هم بنابه گفته دادستان رژیم -، در قانون آن نهفته می‌باشد؛ قانونی که همواره و همواره، جانب طبقه سرمایه‌داری و در خلاف منافع پایه‌ئی کارگران و زحمتکشان است. مگر بی دلیل است که شکاف طبقاتی در درون جامعه دامنه و وسیع‌تری به‌خود می‌گیرد، مگر بی‌دلیل است که گند و کثافت، سراسر جامعه را فرا گرفته است و ارزش‌های انسانی، یکی پس از دیگری به حاشیه رانده شده است؟ متأسفانه نگاه به سیمای

جامعه و همچنین اوضاع معیشتی مردم، بسیار زجرآور و دهشتناک است و در این میان واژه هائی همچون امنیت جانی و آسایش مردمی، خالی از محتواست. فساد همه گیر شده است و پیگیری و مجازات سوءاستفاده‌گران مالی و جنسی، نه برای بالائی‌ها، بلکه گریبان دردمندان و قربانیان نظام امپریالیستی را می‌گیرد. در حقیقت و بالائی‌ها، به یمن، و به اعتبار قانون جمهوری اسلامی می‌چاپند، می‌خورند و سوءاستفاده‌های جنسی می‌کنند، در عوض پائینی‌ها، حق اعتراض و یا اجازه ابراز آنچه که بر سرشان آمده است، را ندارند. چرا که قانون حامی و پشتیبان مردم و قربانیان نظام سرمایه‌داری نیست، پُر بیراه نیست که حاصل این همه گندکاری‌ها و اختلاس، دزدی و فساد و به‌موازات آن‌ها فقر، فحشاء و آوارگی میلیون‌ها انسان محروم، بر گرده نظام جمهوری اسلامی‌ست.

به سُخنی روشن‌تر باید گفت که فساد سازمان‌یافته در ایران، به فرهنگ دولت‌مردان و مقامات حکومتی تبدیل شده است، دستگاه‌های دولتی علی‌رغم پُر وفاداری به اموال عمومی و منفعت مردمی، طرفِ مفسدان حکومتی‌اند. کار برای عموم و قربانیان نظام نیست، چون فساد دولتی - حکومتی بالاست؛ فقر روبه ازدیاد است، چون بالاترین مقامات دولتی - حکومتی و دیگر دار و دسته‌های‌شان، در فکر دزدی و اختلاس‌اند. کودکان در خیابان‌ها ولواند، چون والدین‌شان قادر به تهیه مایحتاج اولیه زندگی‌شان نیستند؛ استفاده از مواد مخدر و فحشاء بالاست، چون معیار و استانداردهای زندگی، برای میلیون‌ها انسان محروم، تنظیم نشده است؛ جامعه کارگری و زحمتکش، در مضیقه هر چه بیشتری قرار گرفته است، چون طبقه سرمایه‌داری زیاده‌خواه است، پُر واضح است که چنین جامعه‌ای، قادر به تضمین منافع سازندگان اصلی جوامع بشری نیست. طبقه سرمایه دار بناحق و روشن است که در چنین اوضاع و احوالی، کار نمی‌تواند در خدمت به مردم و همچنین نعمات و اموال عمومی در جهت سازندگی جامعه باشد. مشکل جامعه و مردم، در وجود و در حاکمیت مناسبات و سیستم سرمایه‌داری است، بنابراین در چنین دنیائی سُخن گفتن از تأمین حقوق انسانی بهبوده و انحرافی‌ست. آنقدر مناسبات گندیده و تهوع آور است، و آنقدر فساد دولتی - حکومتی بالاست که صدای خودی‌شان هم در آمده است. همین چند روز قبل گند و کثافت قاری نظام «سعید طوسی»، شامه‌ها را آزرده و همچنین در اثر چنین فضای تهوع آوری بود که یکایک سران حکومت به میدان آمده‌اند تا از "حیثیت" بر باد رفته‌شان دفاع نمایند. طبعاً چنین اعمال شنیع و ناهنجار، تک نمونه نیست و هزاران کودک، زن و دختر در چند دهه حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، مورد اذیت و آزار و سوءاستفاده‌های جنسی قرار گرفته‌اند، متأسفانه میدانی برای پیگیری اعمال سوءاستفاده‌گران و جانیان بشریت نیافته‌اند؛ چرا که قانون و نظام مدافع آنان است. به عنوان مثال شاکیان پرونده قاری نظام «سعید طوسی» را، تهدید نموده‌اند که به موضوع ورود نکنند و بیش از این و هم‌گام با دنیای مجازی، رژیم و سرکردگان آن را مورد بازخواهی و مواخذه قرار ندهند. برآستی که جای متهم و شاکي در چنین مناسبات و نظامی جابه‌جا شده است و سوءاستفاده‌گران و آزار دهندگان کودکان، از پاسخگویی به اعمال شنیع‌شان به دور اند و در عوض صدمه دیدگان، در تیررس ارگان‌های سرکوبگر نظام‌اند. آری، مردم با چنین عناصر و نظامی رو در رو می‌باشند، آشکار است تا زمانی‌که مناسبات سرمایه‌داری بر جامعه ایران حاکم می‌باشد، دزدی و اختلاس حکومتی - دولتی و همچنین سوءاستفاده‌های جنسی از کودکان، زنان و دختران نه تنها از بین نخواهد رفت بلکه ابعاد دهشتناکتری به‌خود خواهد گرفت. واضح است که مقصر اصلی این همه نکبت و حقارت سران نظام‌اند و بدون کمترین شک و شبهه‌ای باید گفت که خلاصی از اوضاع کنونی و حفاظت از سلامتی تن و جان کودکان و قربانیان نظام، در گرو برقراری حاکمیت کارگران و زحمتکش‌ان است.

۱۱ نومبر ۲۰۱۶ - ۲۱ آبان [عقرب] ۱۳۹۵